

اندی گلدورثی (جیب به راست و بالا به پایین)  
گنبدی مشکل از جوب‌های نازک که سوزخی داخلی شکاف سنگ  
کنار رودخانه ایجاد کرده است. اسکورواتر، دومتری شاپر، ۱۴ اکتبر  
۱۹۹۱.  
- برگ‌های قرمز افرا که نور افتاب روی آنها منعکس شده است.  
رودخانه وچی‌یاما، ژاپن، ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱.  
- برگ‌های زرد نارون که روی سنگی در آب‌های کم‌عمق چیده  
شده‌اند. سکورواتر، دومتری شاپر، ۱۵ اکتبر ۱۹۹۱.  
- برگ‌های نامبو که مثل طلوع خورشید روی لبه یک سنگ نصب  
شده‌اند. ارجی‌یاما مورا، ژاپن، ۲۲ نوامبر ۱۹۹۱.

صورت دقیق توصیف می‌کند و در عین حال، شاخه‌های  
متعدد این درخت تناور را زیر چشم خود می‌گیرد. برای  
این منظور، عبارت هنر محیطی را به کار خواهیم برد.  
یک عبارت می‌تواند مفید واقع شود، اما بهتر است به  
آن به عنوان نقطه آغازی برای کنده‌کاو بیشتر در آینده‌ها  
نگریسته شود، و باید انتظار داشته باشیم که از ریشه‌های  
خود فراتر رود. هدف این نیست که این رهیافت هنری  
را از کلیت خود جدا کنیم، بلکه هدف این است که به  
ما کمک کند، درباره این کلیت بهتر حرف بزنیم و آن را  
بهتر درک نماییم.

اکوآرت: جنبش هنری معاصر است که به موضوعات  
محیطی می‌پردازد و اغلب مسائلی نظیر همیاری و  
بازسازی محیط زیست را مطرح می‌کند. این جنبش در  
مقایسه با دیگر جنبش‌های محیطی رهیافت و متدولوژی  
دوستانه‌تری نسبت به محیط زیست دارد. همانند بسیاری  
از جنبش‌های متأخر، جنبش اکوآرت نیز واکنشی در برابر  
موفقیت‌ها و شکست‌های مدرنیسم بود. این جنبش صرفاً  
اعتراضی اخلاقی در برابر غارت همه‌جانبه محیط زیست  
نیود، بلکه پاسخی بود مضطرب به جهانی شدن فناوری  
فرهنگی، جنگ‌های بزرگ، تهدیدات هسته‌ای، انفجار  
جمعیت، اقتصاد راکد و رودخانه‌های آلوده، و وعده‌های  
یونویبیایی پیشرفت بر باد رفته. فرم یک اثر اکوآرت اغلب  
پیرو عملکرد آن است.

هنر اعاده: اصطلاح دیگری است که گاهی در مباحث  
مربوط به هنر محیطی ظاهر می‌شود، و به هنری اشاره  
می‌کند که چشم‌اندازها و اکوسیستم‌های خسارت‌دیده و  
آلوده را به حالت اول خود باز می‌گرداند. این هنر شکلی  
از اکوآرت است.

اکوونشن (Ecovention): کلمه جدیدی است که در  
۱۹۹۹، از ترکیب دو واژه بوم‌شناسی (ecology) و ابداع  
(invention)، بر ساخته شد. این کلمه به هنری اشاره دارد  
که در آن پروژه هنرمند راهبرد ابداع‌گرانه‌ای را جهت تغییر  
فیزیکی اکولوژی محلی به خدمت می‌گیرد. با این تعریف،  
«هنر بازیافت» را می‌توان نوعی اکوونشن دانست.  
هنر در طبیعت: این اصطلاح بیشتر در اروپا به کار می‌رود  
و به سبک افرادی نظیر نیلز اودو و آندی گلدورثی  
اشاره می‌کند. این هنرمندان با استفاده از مواد طبیعی  
(گلبرگ، سرشاخه‌های درختان، قندیل یخ، ...) فرم‌های  
زیبایی خلق می‌کنند.

«هنر در طبیعت» معاصر و محتواگرا بیشتر به مینیمالیسم  
و زیبایی آستره و پتانسیل دکوراتیو فرم‌های طبیعی  
تمایل دارد. بنابراین، معمولاً فاقد اشاره آشکار به پیام‌های

## هنرهای مرتبط با محیط؛ تقسیمات و زیرشاخه‌ها

(بخش دوم)

رضا قلعه



همان‌طور که در زیر اشاره خواهد شد، هنر محیطی لزوماً  
سه‌بعدی نیست، بلکه می‌تواند دوبعدی نیز باشد. از آن  
گذشته، حتی در صورت سه‌بعدی بودن، امکان ورود به  
بسیاری از آثار محیطی وجود ندارد.

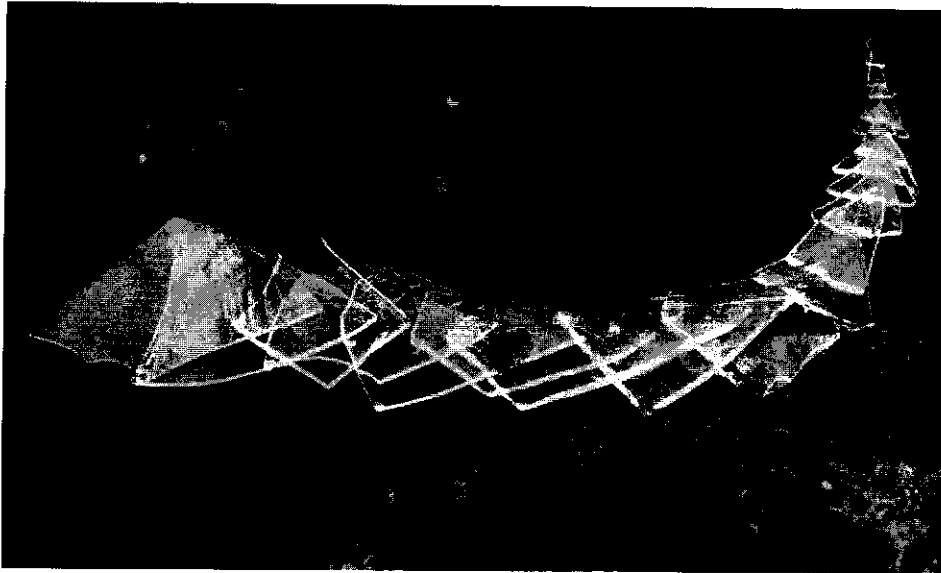
### شاخه‌های هنر محیطی

اصطلاح هنر محیطی، از سوی بسیاری از صاحب‌نظران،  
به صورت یک اصطلاح چترگونه به کار می‌رود. چتری  
که اکوآرت، اکولوژیکال‌آرت، هنر زمینی، هنر خاکی، و  
هنر در طبیعت را در بر می‌گیرد. هر چند بسیاری از افراد  
اصطلاحات فوق‌الذکر را به جای هم به کار می‌برند و  
محدوده مشخصی را برای هر یک از آنها قائل نمی‌شوند.  
اما استفاده از عبارتی که رهیافت‌های متأخر و مدرن را  
از هنر خاکی و زمینی جدا کند، مفید به نظر می‌رسد.  
برای اشاره به این رهیافت‌های متأخر معمولاً از اکوآرت  
استفاده می‌شود. اما باز استفاده از یک عبارت چترگونه  
مفید خواهد بود؛ چون چنین عبارتی کل جنبش را به

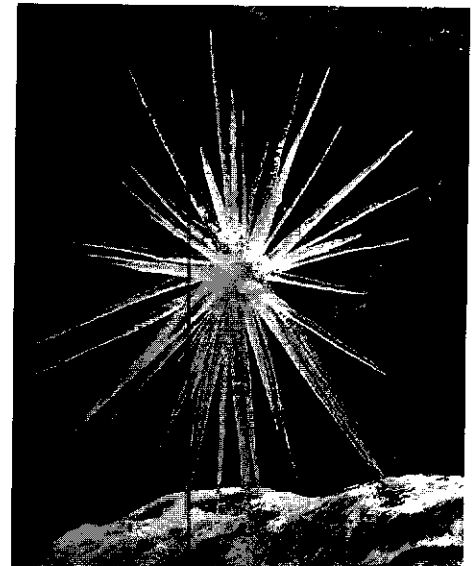
هنر محیطی امروزه دیگر هنری آوانگارد نیست. ناشناخته  
هم نیست. این هنر دست کم از پیشینه‌ای چهل‌ساله  
برخوردار است. با این حال، هنوز در محافل آکادمیک  
کشورمان به‌طور بایدوشاید بدان توجهی نمی‌شود و  
فقط در کلاس‌های تاریخ هنر به صورت گذر، معرفی  
می‌گردد. هنر محیطی از بدو پیدایش سر آن نداشته که به  
نیاز مجموعه‌داران و موزه‌داران پاسخ گوید، بلکه همانند  
هر هنر اصیلی در آغاز با قراردادهای رایج مبارزه کرده  
و تلاش نموده تا مخاطب را با محیط و هنر در محیط  
آشنی دهد.

تعریفی که در دایرةالمعارف هنر، ذیل عنوان هنر محیطی،  
آمده چنین است: «اصطلاحی برای توصیف آثار سه‌بعدی  
که تماشاگر بتواند به فضای آنها داخل شود و خود را در  
محیطی ساخته شده، حس کند. این اصطلاح از اواخر دهه  
۱۹۵۰ رایج شد.»

این تعریف شاید در برخی از موارد صحیح باشد، اما هرگز  
در برگیرنده همه شئون و زوایای هنر محیطی نیست.



اندی گلدزورثی، اثر بخی، ۱۲ ژانویه ۱۹۸۷، عکس سیباکروم، ۷۶x۷۶ سانتیمتر، اسکار واتر، پن پونت، دومفری شایر، اسکاتلند.



اندی گلدزورثی، اثر بخی، ۷-۸ ژانویه ۱۹۸۷، عکس سیباکروم، ۷۶x۷۶ سانتیمتر، اسکار واتر، پن پونت، دومفری شایر، اسکاتلند.

بخش مهمی از این جنبش هستند. شایان ذکر است که جنبش محیطی از تعدد رهیافت‌های هنرمندان برخوردار بوده است. این تنوع و گوناگونی امری است ضروری که به این جنبش غنا می‌بخشد. تقسیم هنر به زیرشاخه‌ها و ژانرهای گوناگون ممکن است به عده‌ای کمک کند، مفاهیم و بن‌مایه‌های مهم را در هنر تشخیص دهند. در عین حال، این تقسیمات می‌تواند به شدت سلیقه‌ای و سوبژکتیو باشد. برخی از هنرمندان ممکن است در طول مسیر هنری خود آشنایی بیافرینند که با تعدادی از این تقسیمات سازگاری داشته باشد و بعضی از آنان ممکن است هر نوع تقسیم‌بندی را رد کنند.

هر چند شاخه‌های گوناگون هنر محیطی شباهت‌های بسیاری به یکدیگر دارند و تفکیک‌شان از هم تقریباً غیر ممکن به نظر می‌رسد، با این حال - با توجه به تقدم و تأخر زمانی و بر اساس رویکردشان به محیط - دو مورد از شاخص‌ترین شاخه‌های آن (هنر زمینی و هنر محیطی)، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### پی‌نوشت

1. Nils Udo. 2. Andy Goldsworthy.

3- به طور کلی: به هر نوع نقشه، جدول یا طرح هندسی، که به صورت نمایش‌ریزی و نمادین تداعی‌کنندهٔ کیهان باشد، ماندالا می‌گویند. ماندالا دارای ریشهٔ سانسکریت است. به معنای: در بر دارندهٔ جوهر. از دیدگاه یونگ، ماندالا باز نمود ضمیر ناخودآگاه است.

4. Daniel Daneer. 5. James Turrell. 6. Sue Spaid. 7. Kastner. 8. Wallis.

9- از آنجا که اثر هنری سه‌بعدی، که با شکل دادن مواد سخت یا شکل‌پذیر ساخته می‌شود، ذیل عنوان مجسمه طبقه‌بندی می‌گردد، در نتیجه، همهٔ آثار محیطی و زمینی مجسمه هستند.

10. Walter De Maria. 11. Nancy Holt. 12. Michael Heizer.

13. Robert Smithson.

#### منابع و ماخذ

- Kastner, Jeffrey: *Land and Environmental Art*, 2003, Phaidon Press Inc.

- Laifach Michael: *Land Art*, 2007, Taschen.

- [www.greenmuseum.com](http://www.greenmuseum.com)

- لوسی اسمیت. «دوراد، مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم» ترجمهٔ سمیح آذر، غیرضا، چاپ و نشر نظر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۶.

- لیسن، نوربرت، هنر مدون؛ ترجمهٔ رامین. علی، نشر نی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۳.

- اسمانگولا، موارد جی، *گرایش‌های معاصر در هنرهای بصری*؛ ترجمهٔ غریبای، فرهاد، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.

زمینی» را در بر می‌گیرد. سو اسپید<sup>۱</sup> در کاتالوگ اکونشن خود همین کار را کرده است. کتاب‌های دیگری نظیر هنر زمینی و محیطی اثر کاستنر<sup>۲</sup> و والیس<sup>۳</sup> این نظر را مطرح می‌کنند که: «هنر زمینی» بعدها به «هنر محیطی» تکامل پیدا کرد. اما شاید بهتر باشد، این طور تصور کنیم: از آنجا که اصطلاح «هنر زمینی» اول به وجود آمده و بیشتر به مناظر طبیعی و کار با بولدوزر ارتباط دارد، قاعدتاً باید به عنوان فصل اول برداشت تکامل‌یافتهٔ ما از محیط زیست محسوب شود. «آثار خاکی» و «هنر خاکی» عمدتاً به عنوان فرم خاصی از «هنر زمینی» قلمداد می‌شوند. امروزه تعداد زیادی اثر هنری با مقیاس بزرگ در چشم‌اندازهای طبیعی خلق می‌شوند و معمولاً از آنها با عنوان هنر زمینی یاد می‌شود. «هنر در طبیعت»، در قیاس با «هنر زمینی»، از مواد و مصالح بیشتری بهره می‌برد (گلبرگ، چوب، سنگ، یخ، برگ، ...). و تأثیری ملموس‌تر و دوستانه‌تر با محیط زیست بر جا می‌گذارد. برخی از هنرمندان بر این باورند: «هنر زمینی» و «هنر در طبیعت» دربارهٔ بازسازی محیط زیست، زیست‌بوم یا جنبش‌های محیطی - که به زعم عده‌ای جنبهٔ کلیدی اکوآرت معاصر است - نیستند، بلکه اغلب دربارهٔ استفاده از زمین و طبیعت به عنوان رسانه‌ای برای بیان شخصی یا کاوش در ایده‌های هنری یا زیبایی طبیعت هستند. آنچه مسلم است، بسیاری از پروژه‌های هنر زمینی آغازین به بازسازی محیط زیست و تغییر چهرهٔ مناطق معدن‌کاری می‌پرداختند و امروزه می‌توان با بازگشت به گذشته آنها را اکوآرت‌های اولیه در نظر گرفت (اصطلاح اکوآرت تا دههٔ ۹۰ هنوز ابداع نشده بود). به طور کلی، هنر زمینی بیشتر دربارهٔ تغییر شکل مناظر و چشم‌اندازها و اشارات گاه‌وبیگاه به ستاره‌شناسی است و کمتر دربارهٔ اکولوژی. بنابراین، هنر زمینی با اکوآرت یا هنر در طبیعت تفاوت دارد. اما بدون شک یکی از اشکال بسیار مهم و از نظر تاریخی چشمگیر «هنر محیطی» است.

هنر خاکی و آثار خاکی: اصطلاحات قدیمی‌تری هستند که به مجسمه<sup>۴</sup> - های بزرگ فضای باز اطلاق می‌شوند. این مجسمه‌ها معمولاً در دل زمین کنده یا از سیمان و دیگر مصالح ساختمانی ساخته شده‌اند و ضرورتاً هنرمند از خود زمین به عنوان مواد و بوم استفاده می‌کند. کسانی نظیر والتر د ماریا<sup>۵</sup>، نانسی هالت<sup>۶</sup>، مایکل هایزر<sup>۷</sup>، و رابرت اسمیتسن<sup>۸</sup> چهره‌های شاخص این ژانر هنری‌اند. هنر خاکی و آثار خاکی اغلب زیرمجموعه‌ای از «هنر زمینی» به حساب می‌آیند. نقاشی و عکاسی، که به موضوعات محیطی می‌پردازند،

فمینیستی، سیاسی یا زیست‌محیطی است. به عنوان «پیام» این آثار بسیار ظریف‌ترند. بسیاری از پروژه‌های «هنر در طبیعت» به صورت پرفورمانس‌های زودگذر ویژه محیط ارائه می‌شوند و به دقت به وسیلهٔ دوربین عکاسی و فیلم‌برداری ثبت می‌شوند. سپس این عکس‌ها یا فیلم‌ها در گالری‌ها به فروش می‌روند.

پروژه‌های «هنر در طبیعت» اغلب در قیاس با هنر زمینی دارای مقیاسی کوچک‌تر و حالتی صمیمی‌تراند. وجه اشتراک «هنر زمینی» و «هنر در طبیعت» این است که کمتر به فعالیت‌های زیست‌محیطی می‌پردازند. «هنر زمینی» دارای ابعاد بزرگ‌تری است و خاک و زمین و موضوعات مفهومی را در بر می‌گیرد. در حالی که «هنر در طبیعت» اشکال گوناگونی از مواد طبیعی جمع‌آوری شده را به منظور ایجاد فرم‌های زیبا مورد استفاده قرار می‌دهد و رهیافتی فروتنانه‌تر دارد. هنر خاکی (Earth Art) و آثار خاکی (Earthwork) شکل‌هایی از «هنر زمینی» هستند. ماندالا<sup>۹</sup> - هایی که از مواد و مصالح طبیعی ساخته می‌شوند، نوعی «هنر در طبیعت» محسوب می‌شوند. این اشکال و علامت‌رمزگونه اغلب دارای ابعاد روحانی آشکار هستند و به دست هنرمند ساخته می‌شوند و به عنوان مراسم آیینی شفابخش برای زمین به حساب می‌آیند.

سنت تبتی‌ها و سرخپوستان ناواجو برای نقاشی با ماسه و خلق دیگر آثار هنری گذرا با استفاده از دانه گیاهان و گل‌ها اشتراکات زیادی با «هنر در طبیعت» دارند، اما قدر مسلم نمادگرایی غنی و سنت‌های فرهنگی خود را به آن می‌افزایند. گاهی «هنر در طبیعت» و «اکوآرت» با هم همپوشانی پیدا می‌کنند؛ مثلاً، در اثر دنیل دنسر<sup>۱۰</sup> با عنوان حلقه‌های صفر، از ماندالا و اشکال حلقوی استفاده شده تا توجه مخاطب را به دیدن درختان جلب نماید.

هنر زمینی: بسیاری از هنرمندان فوق‌الذکر اثر خود را هنر زمینی می‌نامند، هر چند این نامگذاری بیشتر در خارج از ایالات متحده کاربرد دارد. عبارت هنر زمینی عبارتی قدیمی است که از دهه‌های ۶۰ و ۷۰، در اذهان عامه باقی مانده و به هنری اطلاق می‌شود که در فضای باز خلق می‌گردد.

هنر محصولی (Crop Art) - اشکال بزرگی که در زمین‌های کشاورزی ایجاد و از آسمان دیده می‌شوند - می‌تواند نوعی هنر زمینی قلمداد شود. سازه‌های بزرگ رصد ستارگان مثل اثر جیمز تورل<sup>۱۱</sup> در این گروه قرار می‌گیرند. برخی از افراد از اصطلاح هنر زمینی به نوعی استفاده می‌کنند که دامنهٔ وسیعی از اصطلاحات دیگر از قبیل «اکوآرت»، «هنر محیطی»، «هنر خاکی» و «هنر

# فراخوان پوستر مسابقات بین المللی قرآن کریم

معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه در نظر دارد همزمان با برگزاری بیست و ششمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم، نمایشگاهی از پوسترهای قرآنی برگزار نماید، لذا از کلیه هنرمندان و طراحان گرافیک دعوت می گردد.

بدیهی است به کلیه طراحانی که آثار آنان پذیرفته شود، اثر برتر به عنوان پوستر مسابقات بین المللی قرآن کریم، و اصلاح الگوی مصروف المان های مورد استفاده در پوستر باشد.

بیست و ششمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم (ب) متن دقیق که باید عیناً در پوستر منظر گردد: 26th International competitions of the Holy Quran

ازم سازمان اوقاف و امور خیریه  
زمان: ۲۶ رجب ۱۴۳۰  
20-26 July 2009  
۱۳۸۸/۴/۲۸ - ۱۳۸۸/۵/۴

ع) کلیه آثار می بایست به نحوی طراحی گردند که امکان چاپ افست در ابعاد ۵۰×۷۰ dpi ۳۰۰ را داشته باشند.  
د) مهلت ارسال آثار ۱۳۸۸/۴/۳۰  
ه) افتتاح نمایشگاه و اهداء جوایز به نفرات برتر همزمان با افتتاح مسابقات می باشد.  
۶۶۷۰۸۰۰۲ به آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، کوچه ۲۵، جهت اطلاعات بیشتر می توانید با شماره ۴ محسن ایمانی دبیر نمایشگاه تماس حاصل نمایید.  
معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه



سازمان اوقاف و امور خیریه  
معاونت فرهنگی

